

اعداء وطن

دردورنج های تومیهن نتوان کرد حساب
که تواند بشارد قطرات باران را؟

.....

وطن از درد ورنج هایت بگویم
کدامین یک ز اعدایت بگویم
سرطان* عامل این قلب زارت
ز داوود، شخص خودخواه یت بگویم
زنوکرهای روس ها، دشمن دین
ز خلقی، پرجمی هایت بگویم
زهفت یاهشت ثور روزهای منحوس
ز جمعی بی خداهایت بگویم
ز خلاق دروغین، مغز پرکاه
ز شاکردو، وفاهایت بگویم
ز کارمل یا نجیب ویا ز کشمند
ز این جمعی خبیث هایت بگویم
ز جانی های خصم ملت ما
زنوکرها و جاسوس هایت بگویم
هزاران بی گناه کشور ما
ز قربانی بم هایت بگویم
مجاهد نام های نوکر غیر
ز طالب ها، وحشی هایت بگویم
عجب طالب؟ که باشد دشمن علم
برادرهای، خائن هایت بگویم

زکری شاه شجاعی ملک افغان
ز"ع و غ"، جانی هایت بگویم
شده افغانستان پامال کفار
زامروز یا ز فردایت بگویم
زدست انتحاری های بی دین
بخون غرقه سراپایت بگویم
بترکیدن رسیده، این دلی من
زدوری مُلک زیبایت بگویم
ندانند "حیدری"، مام عزیزم
کدامین یک ز غم هایت بگویم

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۱۶، ۷، ۱۲، سدنی

*- ۲۶ سرطان ۱۳۵۲